

## گفتگو با سرکار خانم دکتر نفیسی

حدیث اندیشه: با سلام خدمت سرکار عالی و ضمن تشکر از این که قبول زحمت فرمودید؛ لطفاً بفرمائید موضوع پایان نامه شما در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری چه بوده است و انگیزه خود را از انتخاب این موضوعات بیان فرمائید؟

بسم الله الرحمن الرحيم؛ با سلام خدمت شما و همه دانشجویان گرامی. موضوع پایان نامه اینجانب در دوره کارشناسی ارشد «عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، بر مبنای چهار تفسیر: المیزان، المنار، فی ظلال القرآن و الجواهر» بود و موضوع آن در دوره دکتری «بررسی معیارهای فهم و نقد حدیث در تفسیر المیزان» است. انگیزه من در انتخاب هر دو موضوع، یافتن پاسخ و یا دست کم مقدمات پاسخ به سؤالهای بسیاری است که از دیرباز ذهنم را به خود مشغول کرده بود. از این رو در هر دو مورد از انتخاب موضوعات جزئی که دامنه کاربرد آن محدود است پرهیز کردم و کوشیدم تا موضوعاتی را برای تحقیق برگزینم که بتواند در جهت‌گیری فکری و دست‌یابی به شناختی جامع در زمینه‌های مختلف، مرا یاری دهد. در مورد اول، با هدف آشنایی بیشتر با قرآن و آگاهی از دیدگاه مفسران درباره موضوعاتی نظیر علم و دین، زبان دین و گستره شناخت عقلی و مبانی نقلی و عقلی‌ای که در هر یک از این مباحث مطرح است، موضوع یاد شده را برگزیدم و در مورد دوم انگیزه‌ام آشنایی بیشتر با حدیث و جایگاه آن بود.

حدیث اندیشه: در طی پژوهش در موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد، در خصوص چه تفاسیر و موضوعاتی کار کردید؟

در این تحقیق چهار تفسیر را برای بررسی انتخاب کردم که هر یک، نماینده یک سبک

تفسیری در دوره معاصر هستند: «تفسیر المنار» سلسله جنبان تحولی عظیم در تفسیر دوره معاصر بوده و مبدع سبکی است که به قرآن به عنوان کتاب هدایت می‌نگرد و می‌کوشد، تمامی آموزه‌های آن را در پرتو همین نگرش، توضیح دهد و لذا به سبک هدایی معروف است. البته این تفسیر، تنها بخشی از قرآن را - تا اوایل سوره یوسف - شامل می‌شود. «تفسیر الجواهر» تنها تفسیر کامل علمی از قرآن است. «تفسیر فی ظلال» با توجه به دغدغه‌های مؤلف آن، به جنبه‌های بلاغی و زیباشناسی قرآن توجهی خاص دارد. این تفسیر در عین اینکه تفسیری ادبی است، تفسیری انقلابی و اجتماعی نیز به شمار می‌رود و قرآن را دستوری برای زندگی، عمل و حرکت می‌داند و می‌کوشد آیات آن را در پرتو همین نگرش تفسیر کند. این سه تفسیر، از تفاسیر دوره معاصر اهل سنت بوده و مشخصاً برآمده از جامعه مصر است. «تفسیر المیزان»، تفسیری شیعی و کامل از قرآن است که به دلیل جامعیت مؤلف آن در علوم عقلی و نقلی، تفسیری منحصر به فرد تلقی می‌شود. موضوعاتی که در این تحقیق با مراجعه به تفاسیر یاد شده بدان پرداخته شد، موارد ذیل است:

الف) تفسیر آیاتی از قرآن که به موضوع جهان طبیعت پرداخته‌اند: این آیات خود بر دو نوعند: دسته اول آیاتی هستند که با یافته‌های علمی امروز همسو هستند و ما در این تحقیق گستره بهره‌گیری مفسران یاد شده را از یافته‌های علوم، پی گرفته‌ایم. دسته دوم آیاتی هستند که - حداقل به ظاهر - با یافته‌های علمی جدید در تعارضند. نمونه‌های روشن این مورد را می‌توان در خلقت انسان اولیه، هفت آسمان و ماهیت شهابهای آسمانی دید. در این موارد کوشیده‌ایم رویکرد هریک از مفسران را به این موضوعات نشان دهیم تا روشن شود که آیا آنان به تأویل آموزه‌های دینی می‌پردازند و یافته‌های علمی را بی اعتبار می‌سازند یا راه دیگری در پیش می‌گیرند؛ همچنین بر آن بوده‌ایم تا مبانی ایشان را در مقام حل این تعارض ها استخراج کنیم.

ب) تفسیر آیاتی از قرآن که از غیب و امور خارق العاده سخن می‌گویند: گسترش یافته‌های تجربی بشر در قرن اخیر، راز نادانستنی های بسیاری را در زندگی معمول او بازگفت و در نتیجه تصور او را از علت وقوع بسیاری از پدیده‌ها که پیش از این به علل غیر مادی منسوب می‌شد، تغییر داد. طبیعی است که تفسیر این دسته از آیات که از امور غیبی سخن می‌گویند و به علل غیر مادی پدیده‌ها اشاره می‌کنند، چالشی در برابر مفسر عصری است. در بررسی دیدگاه مفسران چهارگانه در این باره، ابتدا تفسیر آنها را از موجودات نادیدنی، مثل ملائکه و جن و ماهیت آنها، جویا شدیم. سپس تفسیر آنها را از

معجزات پیامبران الهی، امور خارق العاده روی داده در امتهای پیشین، امدادهای ربانی و عذابهای الهی بررسی کردیم. از آنجا که معمولاً بحث از خوارق عادات در قالب داستانها ارائه شده است، ما نیز به روش این مفسران در تفسیر داستانها، از قبیل بیان جزئیات شخصی و چگونگی پردازش آنها و ملاکهایی که برای کار خود ارائه داده‌اند، توجه کرده‌ایم. باید توجه داشت که بحث از «داستانها» ضرورت یا عدم ضرورت واقعی بودن آنها، تطابق آنها با یافته‌های تاریخی، چگونگی تفسیر آنها و بیان جزئیات و حکمت‌هایشان، در دروه معاصر، مورد توجه جدی واقع شده است و به شکل‌گیری بحث‌های ارزشمندی انجامیده است. در این تحقیق، تمام این موضوعات را از منظر هر چهار مفسر، به موازات هم بررسی و ارائه کرده‌ایم تا امکان مقایسه بین نظرات و دستیابی به مشابهت‌ها و اختلاف نظرها میسر باشد. البته پیش از اینکه به بحث از تفاسیر پردازیم به تفصیل به بررسی وضعیت سیاسی - فرهنگی این دوره پرداخته‌ایم تا چگونگی تحول معرفت مسلمانان را بنمایانیم و علت آن را باز شناسیم.

**حدیث اندیشه: شیوه تفسیر عقلی چه ویژگی‌هایی دارد، از چه زمانی به میدان آمده و تا چه حد به آن پرداخته شده است؟**

پیش از هر چیز لازم است مراد خود را از تفسیر عقلی توضیح دهیم. مقصود ما در اینجا، عقل در مقابل نقل است، یعنی تفسیر عقلی غیر نقلی مراد است. این شیوه تفسیر، قدمت بسیار دارد و زمان آن به طبری می‌رسد که برای اولین بار در تفسیر خود از شیوه‌های غیر نقلی برای تفسیر آیات بهره برد. البته میزان بهره‌گیری از عقل و پیش‌فرضها و یافته‌های آن در دوره‌های مختلف، هم به لحاظ نمود و هم به لحاظ مقدار، تفاوت کرده است. از این رو، باید توجه داشت که در تفاسیر نقلی صرف هم، اجتهاد و عقل در گزینش روایات و چینش آنها دخالت دارد، اما این امر به تفسیر خود آیات تسری نمی‌یابد.

چنانکه گفته شد تفسیر عقلی می‌تواند نمودهای مختلفی داشته باشد. در تفاسیر فلسفی، کلامی، علمی، اجتماعی، بیانی و هدایی و... نمونه‌هایی از تفسیر عقلی را ملاحظه می‌کنیم. خواه در پیش‌فرضها و مبانی، خواه در تبیین آیات و گشودن گره‌های موجود در عبارات و حل تعارضها و خواه در اهتمام به یافته‌های عقل.

**حدیث اندیشه: تفاسیری را که مورد تحقیق قرار داده‌اید تا چه اندازه به تفسیر عقلی پرداخته‌اند؟**

آنچه ما در این تفاسیر که هر کدام نماینده یک سبک در تفسیر نگاری هستند، بررسی

کردیم، میزان بهره‌گیری آنها از یافته‌های عقلی مرتبط با فلسفه، علوم تجربی و علوم انسانی در تفسیر قرآن بوده است. در نوشتن این تحقیق همچنان که به پیش فرضها، مبانی و استدلالهای عقلی در تفسیر توجه کرده‌ایم، میزان و نحوه استفاده ایشان از روایات را هم مدنظر داشته‌ایم. همه این تفاسیر از روایات بسیار کم استفاده می‌کنند. «تفسیر المنار» به دلیل نقادیهایی که از روایات دارد، در میان تفاسیر اهل سنت متمایز است. «تفسیر الجواهر» که تفسیری علمی است اگر چه به روایات اشاره می‌کند، اما تفسیر خود را به روایات مقید نمی‌سازد بلکه روایت را در اثبات دیدگاه و نظر خود به خدمت می‌گیرد. «تفسیر فی ظلال» که به لحاظ رویکردش به امور غیبی بسیار محتاط عمل می‌کند، نگاهی نسبتاً نقادانه به روایت دارد و کمتر در مقام تفسیر از آن استفاده می‌کند. علامه که با اختصاص بخشی از تفسیر خود به روایات اهتمامی جدی به روایات نشان می‌دهد، با مجزا کردن دو بخش تفسیر و روایت کوشیده است تا آیات را بدون نیاز به روایات تفسیر کند و نشان دهد این کتاب نور، در هدایت بخشی و معرفی خود نیاز به امر دیگری ندارد. لذا مکرر در بحث روایی، روایت را مزید تفسیر و برداشت خود از آیه می‌داند؛ همچنانکه نقادیهها و نکته‌سنجی‌های ایشان در بررسی روایات نیز منحصر به فرد است. تمامی این مفسران در بحث از داستانها، که روایات در بیان جزئیات و توضیحات آنها جایگاهی ویژه دارند، به روایات بسیار بی‌اعتماد بوده، کمترین استفاده را از آن می‌برند. «تفسیر المنار» و «الجواهر» بر پیام داستان تأکید می‌کنند. «فی ظلال» در مقام تفسیر داستانها، بیش از هر بخش دیگر متکی به اصول داستان نویسی و نمایشنامه‌پردازی است و علامه هم تنها به بخشی از آنها اشاره می‌کند و به دلیل ضعف و سستی از ذکر بقیه آن می‌پرهیزند، ضمن اینکه این موارد را هم به جد نقد می‌کنند.

علاوه بر این، جایگاه علم و یافته‌های آن را که نمودی از عقل‌گرایی و توجه به یافته‌های عقل است، در این تفاسیر به خوبی می‌توان دید. البته رویکرد هیچ یک از این بزرگان به علم تجربی یکسان نیست و آگاهی هیچ یک در این زمینه بیش از یک آشنایی سطحی و معمولی نیست و هیچکدام در این حوزه، عالم تلقی نمی‌شوند. با این همه، اهمیت آن کاملاً روشن است. بدانسان که سید قطب که مصرانه به تحقیر یافته‌های علمی و غیر یقینی بودن آن می‌پردازد، در مواردی بی‌اختیار از یافته‌های آن به وجد می‌آید و کشفیات آن را در بردارنده‌ی پرده‌ای از اعجاز قرآن برمی‌شمارد.

حدیث آیدیه؛ میزان توجه علامه به روایات معصومین (علیهم‌السلام) تا چه اندازه

بوده است؟

علامه به رغم نگرش عقلی شان به قرآن و با وجود آنکه می‌کوشد تا با تفسیر قرآن به قرآن استقلال آن را در ارائه مفاهیم و بیان مراد خود نشان دهد، با اینهمه بخش عظیمی از تفسیر خود را به روایت اختصاص می‌دهد. البته با تفکیک این دو بخش می‌کوشد تا آموزه‌ها و مباحث مربوط به هر یک را در جای خود بیاورد. علامه در بحث روایی، مکرر یادآور می‌شود که هر آنچه را که روایات بیان داشته است، بدون اتکا به نقل و با توجه به اصول تفسیر، از خود آیه نیز می‌توان استخراج کرد. با اینهمه، مطالعه دقیق بحث روایی نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیم عمیق و مضامین بلندی که در مباحث اعتقادی مطرح است - بویژه آنچه درباره غیب عالم است - اگرچه ممکن است در قرآن اشاره‌ای به آن شده باشد، اما تفصیل و تبیین آن جز از طریق روایات میسر نیست.

#### حدیث اندیشه: نقد محتوایی حدیث در تفسیر میزان چه جایگاهی دارد؟

توجه به رویکرد علامه نشان می‌دهد که ایشان در بررسی روایات تفسیری، در کمتر موردی روایت را به دلیل ضعف سند، نقد می‌کند. ضعف سند، تنها در کنار نقد متن و به عنوان قرینه در داوری ایشان درباره روایت نقش دارد. با این همه، به رغم آنکه روش و مبانی علامه در حوزه‌های مختلف روایات تفسیری متفاوت است، در همه موارد نقد محتوایی، مهمترین راه شناخت سره از ناسره می‌باشد.

#### حدیث اندیشه: مشکلات خود را در طی تدوین رساله دکتری بیان کنید.

مهمترین مشکلی که در راه تدوین رساله دکتری با آن مواجه بودم، محدودیت زمانی و گستره وسیع موضوع تحقیق بود. افزون بر این، به دلایل مختلف که مهمترین آن احتیاط است، کمتر نگاهشته مستقلی به موضوع معیارهای نقد و فهم حدیث، اختصاص یافته است. این نوع نوشته‌ها در عالم شیعه تقریباً وجود ندارد و لذا باید دیدگاه عالمان را از لابلائی شرحها، تفاسیر و سخنان ایشان استخراج کرد. در نتیجه، این موضوع در معرض نقادی و حک و اصلاح قرار نگرفته است و هنوز راه درازی را برای سامان یافتن، پیش رو دارد. امید است که این تحقیق بتواند قدمی در این راستا بردارد.

#### حدیث اندیشه: در جهت افزایش انگیزه پژوهش و حفظ آن، به دانشجویان چه توصیه‌ای می‌کنید؟

به نظر می‌رسد وجود دواמר در برانگیختن دانشجویان در مسیر تحقیق و پژوهش نقش دارد. آنچه در وهله اول برای هر پژوهشی لازم است، سؤال و مسأله تحقیق است. دانشجویی که هیچ مسأله‌ای ندارد و هیچ سؤالی ذهن و خاطر او را نمی‌آزارد، از اصل فاقد موتور حرکت است. آشنایی با مسائلی که در حوزه معرفت دینی و کلام جدید مطرح است و سوالهای بسیاری که در برابر یک محقق علوم دینی، در عصر حاضر پیرامون احادیث

وجود دارد یکی از لوازم اولیه کار تحقیقی در این حوزه است.

آنچه در مرحله بعد می‌تواند دانشجو را به پیگیری سوالها و دغدغه‌ها و انجام پژوهشها وادارد، برخورداری او از توانمندیها و آگاهی‌های لازم برای این کار و در کنار آن باور او به توانائیها و آگاهی‌های خود است. البته نباید به منظور ایجاد اعتماد به نفس، در واقعیت مبالغه کرد و باعث شد که دانشجو تصویری غیر واقعی از خود داشته باشد. پیامد این امر این است که دانشجو پس از وارد شدن به عرصه واقعیت و مواجهه با مشکلات کار، واهی بودن این تصورات بر وی آشکار می‌شود و این امر موجبات سردرگمی و ناامیدی او را فراهم می‌سازد. به نظر من، آنچه دانشجویان در این دانشکده می‌خوانند، امکان تحقیق و پژوهش - البته نه در گستره‌ای وسیع و عمیق، بلکه در یک عرصه محدودتر - را برای آنان فراهم می‌کند. اما لازم است پژوهشهایی به عهده آنها گذارده شود که با میزان توانایی و آگاهی‌شان تناسب داشته باشد، تا هم به کارآمد بودن آموخته‌هایشان دلگرم و امیدوار شوند و هم با موفقیتهایی که کسب می‌کنند، اعتماد به نفس لازم را بیابند. فرجام آنکه باید به این نکته‌ی مهم توجه داشته باشند که امر تحقیق کاری آسان و زود یاب نیست و به دقت، فرصت و حوصله‌ی زیاد نیاز دارد. قدم گذاشتن در این مسیر بدون شوق فراوان و عطش سیری ناپذیر برای آموختن، فهمیدن و کشف مجهولات، تلاشی بی نتیجه است که استمرار نخواهد داشت.

در نهایت از همه دست اندرکاران مجله به خاطر تلاشهای بسیار و پیگیری‌های مستمرشان تشکر می‌نمایم و برای تمامی دانشجویان آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.  
**حدیث اندیشه: از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما گذاشتید و با حوصله به سؤالاتمان پاسخ گفتید از شما سپاسگزاریم.**